



**عاملین کشتار
کارگران معدنچی
زمستان یورت
گلستان باید فوراً
محاکمه شوند!**

صفحه 3

**انتصاب ریاست جمهوری
اسلامی میدانست برای
تصفیه حسابهای سران
رژیم!**
رحمت فاطمی

قرار است جمهوری اسلامی در روز ۲۹ اردیبهشت یعنی کمتر از یک هفته دیگر کارنوال و مضحکه ایی به نام انتصاب ریاست جمهوری را برگزار کنند و از بین ۶ نفر از قاتلین و جنایتکارانی که قبلاً صلاحیت خود را از جانیان دیگری از جمله خامنه ای و شورای نگهبان گرفته اند از صندوقهای رای بیرون بیاورند. در جامعه ایی که در آن آزادی انتخاب که یکی از ابتدایی ترین شروط هر انتخاباتی است، وجود ندارد به کار گرفتن کلمه انتخابات نه تنها نادرست بلکه ابهام پراکنی و دروغی نفرت انگیز است. این جانیان و دلکهای اسلامی نه تنها صلاحیت قرار گرفتن در این پست را ندارند بلکه می بایست آنها را در یک دادگاه صالحه بین المللی به جرم جنایت و نسل کشی محاکمه و مجازات کرد تا بقیه عمرشان را در زندان سپری می کردند.

جمهوری اسلامی در سه چهار دهه ی اخیر با راه انداختن مضحکه هایی بنام "انتخابات" ریاست جمهوری و مجلس در به بازی گرفتن مردم، جامعه و حتی اپوزیسیون تبحر پیدا کرده است. آنها یاد گرفته اند با شبیادی، دروغ و به گرو گرفتن نان و شغل و کار آحاد آن جامعه علاوه بر دار و دسته های مزدور خود، بخشی از مردم متوهم را به شرکت در این کارنوالها بکشانند.

مردم در انتصاب های جمهوری اسلامی هیچ نقشی ندارند و قرار

صفحه 2

- اطلاعیه شماره یک هیئت برگزاری کنفرانس موسس حزب سیاسی جدید در ایران

کنفرانس موسس حزب سیاسی جدید برگزار می شود!

صفحه 4

- ملزومات و ضرورت سرنگونی جمهوری اسلامی

ما برای یک جامعه آزاد، برابر، مرفه و سوسیالیستی مبارزه می کنیم!

صفحه 4

سلام زیجی

- حکومت اسلامی و دین با آزادی زن خوانایی ندارد!

صفحه 7

آذر کیمیا

- نه به سیرک انتخابات ، نه به اوباش اسلامی ، نه به رای سلبی !

صفحه 8

کامران پایدار

- ادامه لیست: فراخوان مشترک فعالین سیاسی کمونیست و کارگری برای تشکیل حزب کمونیستی و انقلابی در ایران!

صفحه 9

- پیام ابراهیم باتمانی در رابطه با انتصاب ریاست جمهوری!

صفحه 9

- نمایش انتخاباتی رژیم "سکونی برای خیزش انقلابی" نبوده و نخواهد بود!

صفحه 9

(باز هم در باره مواضع غیر کارگری و غیر کمونیستی حککا)

سلام زیجی

- پاسخ رفیق رحمت فاطمی به رفیق شمی حکیمی!

صفحه 11

انتصاب ریاست جمهوری اسلامی میدانست برای تصفیه

حسابهای سران رژیم!



مضحکه‌ها بیشتر امنیتی و متکی به مرعوب کردن مردم است. اگر مردم قدرت انتخاب را پیدا کنند، اولین کارشان کنار گذاشتن و سرنگونی شماها و کل سیستم‌تان است چون پیش شرط رسیدن مردم به آزادی انتخاب و سعادت از این راه می‌گذرد.

جمهوری اسلام برای داغ کردن انتصباتشان، تمامی ترندها و ابزارهای تحمیق و سرکوبش را بکار می‌گیرد تا مردم را به پای صندوقها بکشاند. در این میان بخش زیادی از اپوزیسیون راست و چپ هم آگاهانه یا نا آگاهانه در گرد و خاک و جنجالی که ج.ا به پا می‌کند برای انتصاب و به پای صندوق آوردن مردم بی تاثیر نیستند و در واقع آنها را به بازی می‌گیرد. در فاصله ای که کمپین این مضحکه از طرف رژیم اعلام می‌شود، اپوزیسیون هم پا به پای رژیم تحت عنوان مشروط شرکت کردن، تحریم، نه گفتن و یا تحت عنوان "این مضحکه را به سکوتی یک خیزش انقلابی یا به فرصتی برای قدرتمند کردن جنبش سرنگونی" به بخشی از به بازی گرفتن و بازار گرمی از طرف رژیم تبدیل می‌شوند.

نباید از احزاب راست و اپوزیسیون درون رژیم از جمله حزب توده، اکثریت، اصلاح طلبان و غیره گله مند بود. زیرا آنها مشکلی با این سیستم و ج.ا اسلامی

دارند حماقتی را که سالهای سال در زیر عمامه شان با خود حمل می‌کنند به نمایش می‌گذارند. روحانی شاید و فریب کار برای از صحنه بدر کردن رقبای خود شکر می‌شکند و می‌فرماید اینها همانهایی هستند که قرار بود پیاده روها را هم جنسیتی کنند و پیاده رو زن و مرد در خیابان را جدا کنند و یا می‌فرماید که اینها همانهایی هستند که فقط دنبال اعدام و کشتن مردم هستند و خطاب به قالیباف می‌گوید: که قصد "لوله کردن دانشجویان در دو ساعت" را داشته است.

روحانی همانند بقیه کاندیداهای انتصابی، حافظه مردم را دست کم می‌گیرد و فکر می‌کند مردم فراموش کرده اند که او به عنوان یکی از دست پروردگان خمینی جنایتکار در تمام این سالها عضو ارشد شورای امنیت بوده است. روحانی همان فردی است که پافشاری کرد و افتخار این را داشته است که مخالفین سیاسی را در نماز جمعه در ملا عام اعدام نمایند. ایشان یکی از پایه گذاران جمهوری جنایت و کشتار اسلامی است که همراه با بقیه همپالگی هایش در چهار دهه اخیر بانی و عامل اصلی اعدام، کشتارهای دسته جمعی، فقر، فساد و تباهی در آن جامعه بوده است. نه جنابان خودتانید، این دروغها را کسی از شما نمی‌خرد. دو ساعت به مردم اجازه دهید و شمشیر هایتان را غلاف کنید، بعد می‌فهمید که این مردم ستم دیده چه بلایی سرتان خواهند آورد و تکلیف شماها و انتصباتتان را روشن می‌کنند. بی دلیل نیست که بحث اصلی شماها هم در این

میباشد. هر چند در بیشتر موارد این سیاستمداران "دمکراسی خواه" روز بعد از انتخابشان زیر همه قول و قرارهایشان می‌زنند و این فلسفه سیستم سرمایه داری است که به دورغ و ریا متکی است. اگر به تبلیغات انتخاباتی این جانپان نگاهی بیاندازید متوجه میشوید که آنها اهداف دیگری را دنبال میکنند. هدف تبلیغات این جانپان هم چنان که گفتم تصفیه حساب با همدیگر، سهم خواهی بیشتر و حفظ نظام و اساسا پرداختن به مسائل امنیتی است. این قاتلان اگر به دروغ هم باشد کسی از هیچ کدامشان نمی‌شنود که بگوید، زندانیان سیاسی را آزاد میکنیم، برابری زن و مرد را تامین میکنیم، اعدام و شکنجه را لغو می‌کنیم، عاملان اختلاس و دزدی و جنایت را محاکمه و پولهایی را که دزدیده اند را به مردم باز می‌گردانیم، امنیت شغلی را بالا می‌بریم، بیکاری را ریشه کن می‌کنیم، بیمه بیکاری را برای همه آحاد جامعه تامین می‌کنیم، حق تشکل و سازمان و آزادی بی قید و بند سیاسی در جامعه را تضمین می‌کنیم و قاتلان و هیئت های مرگ را محاکمه می‌کنیم و آنها را به دادگاه می‌کشانیم و هزاران موضوع دیگری که به سرنوشت مردم آن جامعه مربوط می‌شود و این جانپان با زور از مردم گرفته اند، هیچ کدام از وعده ها را نمی‌شنوید. مناظره تلویزیونی این جنایتکاران پر از دروغ، ریا و پشت پا گرفتن از همدیگر است و مملو از آمارهای غلط که این احمق ها حتی بخود زحمت نمی‌دهند بروند کمی مطالعه کنند و

نیست این نوع شوهای مضمز کننده، منشا هیچ نوع تغییری به نفع مردم ایران و بخصوص طبقه کارگر باشد. بلکه هدف از این شوها برای ج.ا از یک طرف تسویه حساب سران رژیم و بقیه نمایندگان سرمایه داری در حکومت، تغییر در آرایش نمایندگان حکومت و تقسیم قدرت در بین همان جنایتکاران سابق و جدید است. از طرف دیگر با شیدایی، دروغ و تهدید و ارباب و با به گرو گرفتن نان و شغل انسانها، تلاش میکنند که با کشاندن مردم به پای صندوق رای برای یک دوره دیگر و ادامه حکومتشان عمر بخرند و با این کار مشروعیت خود را برای تداوم سرکوب، اعدام، شکنجه و تحمیل فقر و بیکاری را از صندوقها بیرون بکشند و در بازار دمکراسی جهانی آن را به افکار عمومی جهان بفروشند.

اگر به تبلیغات انتخاباتی این جانپان نگاهی بیاندازید به روشنی اهدافی را که دنبال میکنند، میشود مشاهده کرد. در کشورهای غربی در پروسه انتخابات، احزابی که خود را برای انتخاب شدن کاندید میکنند به دروغ هم باشد، برای کسب آرا مردم، تبلیغاتشان حول کاهش ساعت کار، بیمه بیکاری، بالا بردن استاندارد زندگی، کار یابی، مسکن و هزار و یک مسئله دیگر که مستقیما به زندگی روزانه مردم ربط دارد،

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

انتصاب ریاست جمهوری
اسلامی میدانیست برای
تصفیه حسابهای سران رژیم!

عاملین کشتار کارگران معدنچی زمستان یورت گلستان باید فوراً محاکمه شوند!

ساعت 12:05 دقیقه ظهر، چهارشنبه مورخ 13 اردیبهشت در معدن زغال سنگ آزادشهر انفجاری شدیدی رخ داد و باعث تخریب بخشی از این معدن شد که متأسفانه تعدادی از کارگران مشغول به کار در آن مجروح و تعداد زیادی در تونل های معدن محبوس شده اند و تاکنون، ۱۴ اردیبهشت، جانباختن 43 کارگر این معدن تأیید شده است.

"اشتباه" و "جرم" کارگران شلاق خورده در معدن "آق دره" برای گرفتن حکم تازیانه شلاق بر پشت خود به همان اندازه بود که امروز کارگران جان باخته در معدن گلستان با جانباختن دهها هم طبقه ی خود "مرتکب" آن شده اند! ننگ و نفرت به وزیر کار، دولت و مسئول استانداری در گلستان که هر کدام بی شرمانه به شکلی مستقیم یا غیر مستقیم بار مسئولیت این جنایت بزرگ را به گردن خود کارگران می اندازند.

جنایتکاران حکومت اسلامی بر سر بدن لت و پار شده کارگران نیز دارند در مضحکه انتخاباتی شان معامله و فریب کاری میکنند و هر کدام با صدور بیانیه "دلسوز کارگر" می شوند، در حالیکه همین کارگران با ابراز نفرت عمیق خود از

جنبش آزادیخواهی و جنبش سرنگونی از شکافها و اختلاف جناحهای حکومتی بهره بگیرد و به پروسه زودتر و کم در دستر تر سرنگونی کمک کند. در غیر این صورت اگر حزب از این موقعیت برخوردار نباشد و مردم را تشویق کند که از اختلافات جناحی استفاده کنند به عنوان سکویی برای سرنگونی رژیم نه تنها با مردم رو راست نیست بلکه هم چنان که در بالا اشاره کردم آنها را به دم توپ رژیم تبدیل می کند.

متأسفانه در حال حاضر شاهد حزب چپی نیستیم که دارای آن موقعیتی باشد که در بالا به آن اشاره کردم. هر حزبی بهره گرفتن از اختلافات سران و جناحهای حکومت بخشی از پلانفرمش برای سرنگونی جمهوری اسلامی باشد، نه تنها به گرم کردن مضحکه ی این انتصابات کمک کرده بلکه دارد به مردم دروغ می گوید و باید افشا شود. در صورتی حزب فاقد آن شرایطی که در بالا به اشاره ش نباشد، اگر اختلافات جناحهای رژیم به تظاهرات و صف آرایی نیروهای این جناحها در مقابل هم منجر شود حزب مسئول وظیفه اش این است که مردم را تشویق کند که در این تظاهرات و شورشهای خیابانی شرکت نکنند و خود را قربانی منافع جناحهای سرکوبگر جمهوری اسلامی نکند.

در هر صورت مشارکت در گرم کردن و بحث پیرامون این شوی مزخرف و مضحکه انتصاب یکی از جانپان برای ریاست جمهوری اسلامی به هر بهانه ای نادرست است و باید از آن پرهیز کرد و هرجا قدرت آن را داشتیم باید صندوقها را بر سر آنها خراب کنیم.

توازن قوا بیشترین بهره برداری را بکند. هم چنین ضروری است که از اختلافات سران حکومت و جناحهای مختلف سرمایه داری استفاده کرد. هم چنانکه لنین و حزب بلشویک در جریان جنگ اول جهانی و انقلاب اکتبر بارها از اختلافات دولتهای سرمایه داری و طبقه سرمایه دار در شوروی برای تقویت انقلاب استفاده کردند و این امر نقش مهمی در پیروزی انقلاب داشت. ولی برای این که بتوانید از چنین موقعیتهای که پیش میاید استفاده کنید لازم است که ملزومات آن را داشته باشید، در غیر این صورت حزب و مردم را به گوشت دم توپ سرمایه داری تبدیل می کنید و شما حامی جنبشی می شوید که نفعش به جیب ارتجاع و طبقه سرمایه دار می رود. هم چنانکه حزب کمونیست کارگری در سال ۸۸ و در جریان جنبش سبز از همان ابتدا تحت عنوان این که با "موسوی کشتی نمی گیریم" (البته بعداً هم بقیه احزاب چپ در داخل و خارج مدافعین این جنبش شدند) حامی جنبش سبز شدند و ضربات زیادی را به جنبش کمونیستی زدند، در عوض رژیم بیشترین بهره برداری را از جنبش سبز کرد، جامعه را مرعوب، جنبش کارگری و بقیه جنبشهای دیگر را عقب راند و یک دهه ی دیگر برای خود عمر خرید.

در شرایطی که حزب کمونیستی دهها کمیته کمونیستی، هزاران حوزه و محافل کمونیستی همراه با دهها رهبر صاحب نفوذ جنبشهای کارگری، زنان و جوانان در جامعه را با خود همراه داشته باشد. در صورتی که سیاست آن حزب از طرف بخشی ولو محدود در جامعه پذیرفته شده باشد، قطعاً باید به نفع تقویت

ندارند و فقط خواهان آن هستند که از این خان یغما چیزی هم به آنها برسد. در نتیجه گله و اعتراض آنها در همان چهار چوب گله روحانی و موسوی است و ربطی به منافع کارگر و مردم زحمتکش ندارد. مشکل اصلی احزاب چپی هستند که خود را سرنگونی طلب و خواهان برقراری جامعه سوسیالیستی معرفی می کنند. متأسفانه این احزاب هم در همان خیمه شب بازی که چهار چوب قواعد آن را جمهوری اسلامی تعیین میکند بازی میکنند. استدلال آنها این است که در مدت زمان انتخابات فضای سیاسی و بازی فراهم می شود که باید به نفع سرنگونی از آن استفاده کرد و در این رابطه آدرسی که به ما می دهند نگرانی خامنه ای و سران رژیم است که مرتب به نیروهای امنیتی تذکر می دهند که مواظب اوضاع باشند و یا جنبش سبز سال ۸۸ را به ما یادآوری می کنند. ج. بعضاً برای این که بتواند مردم را هر چه بیشتر به پای صندوق انتصابات بکشاند آگاهانه کاندیداهایی را حذف و یا وارد می کند که بحث برانگیزند تا از این طریق برنامه و پلان خود را پیش ببرد. یا موضوعاتی را مطرح میکنند که مسئله مردم هستند.

در این شکی نیست طبقه کارگر و حزب کمونیست ان می تواند و لازم است که از شکافهای منطقه ای و اختلافاتی که بین دولتها و سران آنها بوجود میاید به نفع تقویت جنبش خود و تغییر

مرگ بر جمهوری اسلامی!

**عاملین کشتار
کارگران معدنچی
زمستان یورت گلستان
باید فوراً محاکمه
شوند!**

اینها و با هو کردن رئیس جمهور در حین بازدید در معدن نشان دادند که نه تنها اینها را دلسوز خود نمی دانند بلکه آنها را عاملین اصلی مرگ رفقای خود میدانند.

سوسیالیسم امروز ضمن اینکه خواهان محاکمه فوری کارفرما و دست اندار کاران این فاجعه بزرگ و هولناک و پرداخت غرامت به بازماندگان آنهاست، عمیقاً خود را در غم از دست دادن این عزیزان شریک و به خانواده و بستگان جانبختگان، به طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه تسلیم می‌گوئیم.

**مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!**

**اطلاعیه شماره یک
هیئت برگزاری
کنفرانس موسس حزب
سیاسی جدید در ایران
کنفرانس موسس حزب
سیاسی جدید برگزار
می شود!**

به اطلاع می‌رسانیم که تدارکات ملزومات سیاسی و اجرائی برگزاری کنفرانس موسس حزب سوسیالیستی جدید از این تاریخ شروع خواهد شد. این کنفرانس در **ماه آگوست ۲۰۱۷ برابر با مرداد ۱۳۹۶** برگزار خواهد شد. کنفرانس موسس حزب دو روزه و غیر علنی است.

در اطلاعیه های بعدی در باره شکل برگزاری کنفرانس موسس حزب و دیگر اقدامات اطلاعات بیشتری در اختیار عموم قرار خواهد گرفت.

هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب از همه کارگران و فعالین کارگری، مبارزین راه آزادی، و فعالین و دوستداران حزب در ایران میخواهد که از راههای مناسب در تدارک سیاسی و تاسیس چنین حزبی نقش مستقیم و موثر ایفا نمایند. ما متعهد می شویم که کلیه نظرات و اسناد پیشنهادی و تلاشهای شما را از کانال درست و قانونی در پروسه تاسیس حزب دخیل داده و به سر انجام خواهیم رساند.

علاو بر تماس مستقیم با هیئت هماهنگ کننده برگزاری کنفرانس، از این تاریخ تا زمان برگزاری کنفرانس بخشی از کار نشریه سوسیالیسم امروز "و همچنین سایت "سوسیالیسم امروز" (که به زودی راه خواهد افتاد) به تدارک سیاسی کنفرانس موسس حزب اختصاص خواهیم داد. هر دو ابزارهای مناسبی هستند در جهت منعکس کردن نظرات سیاسی متفاوت، و طرح سیاستها و راه حل های مناسب به منظور تدارک بهتر یک حزب کمونیستی رزمنده و انقلابی. ما از دریافت نظرات و پیشنهادها شما استقبال می کنیم.

همچنین از همه اعضا و دوستداران و علاقمندان به دخالت مستقیم در سر نوشت این حزب در اروپائی مرکزی و امریکا و کانادا می خواهیم در اسرع وقت برای شرکت در کنفرانس موسس حزب با ما تماس گرفته و ثبت نام کنند. تاریخ و مکان دقیق کنفرانس تنها به اطلاع شرکت کنندگان در کنفرانس خواهد رسید. پیشا پیش به همه شرکت

کنندگان در کنفرانس موسس حزب خوش آمد می گوئیم!

**هیئت برگزار کننده
کنفرانس موسس
حزب**

ادرس مایل و تلفنهای

تماس:

**iransocialist2017@
mail.com**

0046762349683

00447740076631

004792831376

0046700929993



**ملزومات و
ضرورت
سرنگونی
جمهوری
اسلامی**

**ما برای یک جامعه آزاد، برابر،
مرفه و سوسیالیستی مبارزه
می کنیم!**

همانطوری که یکی همکاران رژیم در مقام "نماینده کارگران"، چند سال پیش به مناسبت روز جهانی کارگر گفته بود که اگر تلاش آنها نمیبود کارگران تا بحال حداقل "ده بار" حکومت را سرنگون کرده بودند، اینجا باید اضافه کنم که اگر همراهی مستقیم و غیرمستقیم جریانات ملی-اسلامی و اپوزیسیون راست با جمهوری اسلامی و سیاستهای آن در دوره قبل و بعد از انقلاب سال ۵۷ نمیبود، و فراتر از همه، اگر سیاستها و عملکرد اشتباه امیز بخش زیادی از ما جریانات چپ و کمونیست نیز نمی بود، این رژیم نه تنها ده بار که صد بار بود سرنگون شده بود. در ضمن باید این واقعیت را نیز اضافه نمود که چنانچه بجای رضایت دادن به زندگی اپوزیسیونی در خارج کشور با اردوگاه نشینی، یا تبدیل شدن به احزاب صرف "مبلغ" و در انتظار تحولات نشستند، خود مستقیماً وارد گود مبارزه میشدیم، سیر تحولات را رقم می زدیم، و امر فوری سازماندهی مبارزه تعرض امیز، رادیکال، کارگری و کمونیستی، و شروع مبارزه ملیتانت و قهر امیز را در داخل و خارج کشور در دستور کار مان میبود، بدون تردید این رژیم

جان سالم به در نمی برد. این رژیم فاسد و آدمکش نه سی و هشت سال، که سی و هشت روز هم حشش نبود در قدرت باقی بماند.

از اینرو بخش مهمی از مباحث و نقد و تلاش این دوره من و رفقای دیگری در جهت نشان دادن ناکارا بودن روشهای کنونی سیاسی و مبارزاتی ناظر بر اکثر اپوزیسیون، و از جمله اهزایی که خود ما با آنها کار می کردیم، و پرهیز از ادامه بی حاصل و بی تحرک این فعالیتها و خودمشغولی ها بوده است. در مقابل تاکیدی مجدد بر یک مبارزه انقلابی، بر تحرک و جدی تر علیه رژیم داریم. شروع یک سنت مبارزاتی رادیکالتر، و سازماندهی یک مبارزه انقلابی و ملیتانت و جدی متفاوت، ایجاد حزب سوسیالیستی انقلابی و متکی به سنتهای حزبیت سیاسی مدرن علیه رژیم و سرمایه داران به یک ضرورت و شرط اولیه هر درجه ای از پیشروی در جهت پایان دادن به شرایط فلاکت بار سی و هشت ساله تحمیلی حاکمیت سیاه جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

برای تسریع در این روند و تامین این نیاز مبرم تاریخی، ضروری است درک واحد تری از تحولات سه- چهار دهه گذشته، کمبودها و درسهای که باید گرفته شود، و چگونگی شروع یک مبارزه رزمنده کمونیستی و انقلابی دیگری داشت. در اینجا یکبار دیگر به جوانب مهمی از این واقعیتها و راه حلها اشاره خواهیم کرد.

**از گذشته باید درس
گرفت!**

به منظور درک دقیقتر چگونگی پیشبرد یک سیاست انقلابی، و برای پاسخ دادن به این که چگونه ملزومات سرنگونی چنین حکومتی را تامین کنیم، ضروری می دانم به عنوان بخشی از درک وقایع، بدواً به عوامل و آن روند تاریخی که خود این رژیم ضد انقلابی و ضد آزادی اسلامی را به قدرت رساند، اشاره ای داشته باشیم. این ضروری است چون بخشی از موانع امروز سر راه سرنگونی جمهوری اسلامی، همچنانکه در پانین تر اشاره خواهیم کرد، بطور واقعی ریشه در عواملی دارد که جمهوری اسلامی را به جامعه

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

ایران تحمیل در راه به قدرت رسیدنش را هموارتر کرد.

سال ۵۷ طبقه کارگر، زنان، جوانان و نیروهای چپ و توده مردم محروم و تشنه آزادی به حق حاکمیت سپاه و مستبد سلسله پادشاهی را سرنگون کردند. با این وجود وقتی شاه فرار کرد، نیروهای چپ آندوره به جای بسیج و رهبری مردم جهت کسب قدرت سیاسی و دولتی، به جانی فراخوان جامعه که اجازه داده نشود غرب خمینی را به اسم "رهبر انقلاب" به مردم بفروشد، به جای اینکه جامعه ی که مسلح شده بود سازماندهی کنند و نه تنها اجازه خلع سلاح شان توسط جریان خمینی جلا و مساجد و "کمیتة های انقلاب" داده نشود که با قدرت مسلح توده ای بر آمده از دوره انقلابی خود راسا حاکمیت انقلابی را اعلام نمایند و قدرت دولتی را در دست بگیرند، به جای اینکه طبقه کارگر که با اعتصابش در نفت کمر حکومت شاه را شکست، رهبرانش در مقام رهبر جامعه ظاهر شوند و کل طبقه را برای کسب قدرت فرا بخوانند و شوراهای کارگری را در همه مراکز کار و جامعه به عنوان ارکان اعمال حاکمیت کارگری- توده ای گسترش دهند و به یک قدرت متحد و متشکل طبقاتی تبدیل شوند، و کل مراکز تولید را به کنترل خود در بیاورند، هر گروه و دسته ای که بی ربط بودن به این افق و سیاستهای کارگری و کمونیستی، بی ربط بودن به آلترناتیو واقعی سوسیالیستی طبقه ای که می بایست قدرت دولتی و حکومت کارگری خود را ایجاد و اعمال کند، ساز خود را زده و پراکنده و سردرگم سرگرم کار فرقه ای و سازمانی و ایدئولوژیکی و شعار دادن خود بودند.

یکی پرچم پوپولیسم خود را بر افراشت، یکی با شعار "سگ زنجیره ای" با خمینی همصدا شد، یکی با حکایت رشد "صنایع ملی" ناسیونالیسمش گل کرد و به فکر گسترش "صنعت ملی" بودند، یکی دنبال "خودمختاری" و "حق ملت" رفت، بلاخره در این بستر زمینه بهتری فراهم شد که تعدادی در "طیف چپ" نیز از جمله جریانات فاسد چون سازمان اکثریت و حزب توده مجذوب شعارهای تو خالی ضد امپریالیستی و مستضعف پناهی آقای خمینی شاید و تا مخ استخوان ارتجاعی و

ضد انسانی شدند و به کمک این جانی برای سرکوب انقلابیون شتافتند! و امثال سربداران نیز تفتنگ بر دوش رفتن به جبهه های جنگ، و بعد از قدرت گیری رژیم اسلامی بیشتر این جریانات بدست همین رژیم سرکوب و سلاخی شدند.

در صف جریانات راست نیز همزمان جریانات چون نهضت آزادی و جبهه ملی، سازمان مجاهدین خلق و حزب دمکرات کردستان ایران و... نیز هر کدام در شکلی برای دوره هایی زیر عبای خمینی جلا رفتند و بدینوسیله مقدمات شکست انقلاب ۵۷ را با پهن کردن فرش برای جریان وحشی خمینی (داعش نوع شیعه در ایران)، که باحمایت و نقشه کامل غرب به منظور کنار زدن روند غالب چپ بر انقلاب کنندگان آندوره آماده شده بود، راهی ایران کردند. بدین ترتیب ملزومات اولیه شکست انقلاب ۵۷ ایران فراهم گردید. این پروسه، که عدم وجود و حضور یک حزب روشن بین کمونیستی و طبقه کارگر متحزب و متشکل مدعی قدرت جز مهمترین عامل سردرگمی چپ و کارگر آندوره بود، باعث گردید که راه برای جانشینی یک جریان به شدت جنایتکارتر و مستبدتر از خود رژیم شاه که کارگران و مردم تشنه آزادی سرنگونش کرده بودند، فراهم شود.

خمینی و قمه کشان آن فرصت را غنیمت شمرده و شمشیر را از رو بستند. از کارگران نفت و زنان در تهران و از ترکمن صحرا تا کردستان و دیگر شهرهای مختلف شروع به قتل و عام کردند، به مراتب جنایتکارتر و گسترده تر از جنایت که امروز داعش انجام می دهد در ایران صورت گرفت. در یک دوره چند ساله موفق شدند میلیونها انسان را به زندگی در ارتجاعیترین و وحشیانهترین نظام اجتماعی محکوم کنند. ترس، فقر، دروغ، چوبه های دار و کشتار دسته جمعی و سرکوب زنان و کارگران و کمونیستها و مخالفین، جانشین دوره شور و مبارزه و قدرت توده ای و آزادیهای دوره قیام سالهای اولیه انقلاب ۵۷ شد. کشتار خرداد سال ۶۰ و شهریور ۶۷ و قتلهای زنجیره ای و ترورهای گسترده و سرکوب مداوم و تحمیل فقر و بدبختی به جامعه همه در راستای تداوم بقای حاکمیتی صورت میگیرد که محصول انقلاب ۵۷ نبود، مامور به شکست کشانند آن شده بود.

این تاریخ واقعی و جنایتکارانه را بی شرمانه از دولتهای غرب تا جریانات کنونی سبز و اصلاح طلب و نیروهای

ملی اسلامی و خود شاخه های سلطنت طلبان از ایران بیرون رانده شده و بخشی از چپ دنبالچه آنها می خواهند به فراموشی سپرده شود تا بتوانند از نو همین داستان و مسیر ضد انقلابی را برای مردم ایران رقم بزنند. واقعیت این است همه شان چنین هدفی را در سر خود می پروراندند. بخشا با شعار دروغین "ایران برای همه ایرانیان" و با پوشیدن لباس "ملی" و پرچم ارتجاعی قومی گری و فدرالیستی و اریائی گری دروغ گو ترین شکل سیاست کردن طبقه بورژوازی را تحویل کارگران و جامعه می دهند.

فاکتور سرکوب رژیم، و اشتباهات خود ما

واقعیت این است که با وجود تمام تناقضات و بحرانهای که قریب به چهل سال است گلوی جمهوری اسلامی را می فشارد، و با این وجود توانسته ضمام امور یک جامعه هشناد میلیونی را به دست بگیرد، نسلهای را با مرگ و تباهی و فرهنگ و اخلاق و ایدئولوژی مضحک دوران قرون وسطی محکوم نماید را نمی توان صرفا با فاکتور اعمال سرکوب و خشونت عریان توضیح داد.

جدلهای تاریخی و منافع طبقاتی جنبش ما و ضرورت قطعی درس گرفتن از تجربه تلخ روند سر کار آمدن حاکمیت اسلامی به طبقه ما حکم می کند که به بررسی دقیق کل حقایق این تحولات متکی باشد. خود را از زیر بار گردوغبار بررسی ها و تحلیلهای دیگر جنبشهای طبقاتی بیرون بکشد. بدون دیدن همه ابعاد واقعیت های این تاریخ و نقش متضاد جنبشها و نیروهای اجتماعی درگیر در تحولات سی و هشت ساله اخیر مبارزه طبقاتی در ایران هرگز نمی توان به عمق حقایق تحولات گذشته و حال سیاسی پی برد و گام در مسیر درست تری نهاد.

این نظام به حکم هم خصلت مذهبی بودنش و هم اینکه حکومت حراست از منافع طبقه بورژوازی، و هم نظام مورد حمایت شونده بیشتر نیروهای راست درون و بیرون حاکمیت، و به عنوان نظامی که همچنین پرچمدار و حامی بخشهای از جنبش ناسیونالیسم ایرانی بوده، باید مورد توجه قرار دهیم. یعنی علاوه بر فاکتور سرکوب، که بیشتر این ابزار و وحشیانه علیه طبقه ما و جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی اعمال گردیده است، لازم است کل آن

عوامل را به عنوان فاکتورهای دخیل به نفع رژیم در نظر گرفته شوند. این روند ضد آزادیخواهانه نیز به ویژه به دلیل عدم شکل گیری یک آلترناتیو جدی، مقتدر، انقلابی و سوسیالیستی در صحنه جدال طبقاتی برای سرنگونی انقلابی، این رژیم و هم جنبشی هایش را در موقعیت برتر قرار داده و موفق شده است حتی بخشهای از نیروی جنبش ما و بخشی از "مردم" را به صف مترجعی و حامیان جیره خوار ریز و درشت خود سوق دهد.

البته نکته به مراتب قابل توجه تر و قابل تعمق تر برای جنبش سوسیالیستی و طبقاتی ما این است که، علاوه بر فاکتورهای بر شمرده از نوع سرکوب و حمایت نیروهای راست و دول غربی از این رژیم، اساسا وجود سیاستهای جاری در اکثر نیروهای اپوزیسیون چپ و کمونیست نیز توهم آمیز، غیر سوسیالیستی، ملی گرا، خلق گرا، و بعضا همراه شونده با حاکمیت و بخشهای از جنبشهای بورژوازی، و ناتوان در سازماندهی مبارزات انقلابی و آزادیخواهانه نیز بوده است. جنبش طبقاتی کارگری و جنبش کمونیستی دقیقا همینجا است که باید بیش از پیش بر این تاریخ و عواقب تاکنونی آن تعمق نماید. همینجا است که باید نه بزرگی به چپی بدهد که همان راه را طی می کند! بنظر من اولین و مهمترین درسی که میتوان از تاریخ زنده مبارزه طبقاتی و جنبشی خود گرفت درک درست از کل پدیدهها و این حقایق اتفاق افتاده در آن روند تاریخی است. تنها این نگاه ابژکتیو و حقیقی است که میتواند به تحرک انقلابی، درک واقعیتها تر و بیدار شدن اراده انقلابی- اجتماعی و طبقاتی، هم در جهت پیشگیری از تکرار آن روند منفی، و هم به منزله سکوتی برای سر سامان دادن به یک جنبش و آلترناتیو کارگری- سوسیالیستی در جهت پایان دادن به وضع موجود و عمر جمهوری اسلامی از آن بهره جست.

آنهای که در این ۳۸ سال به ما مرتب یاد آور شده اند که رژیم سرکوبگر است و می کشد و گویا تنها و تنها با اتکا به ابزار سرکوب توانسته بقای ننگین و جنایتکارانه اش را حفظ کند، در نتیجه ما نیز به عنوان اپوزیسیون و "رهبران" مادام العمر کاری نتوانسته ایم انجام

بدهیم، بنظر من در بهترین حالت، عمد یا غیر عمد، تلاش شده و میشود که جنبش ما به کل حقیقت ها پی نبرد. این نگاه در صدد است که اساس خطاها و ناتوانی و نا آمادگی سیاسی- مبارزاتی خود راتوجیه و تبرئه نماید. منافعهای متضاد طبقاتی و سیاستهای متفاوت را دور می زند، به چشم جنبش کارگری و کمونیستی خاک می پاشاند. در حقیقت به جای تقبل مسئولیت و پذیرفتن اشتباهات و خطاهای خود تسلیم وضع موجود شده و به مانعی در جهت ارتقا جنبش انقلابی ما و خود آگاهی مبارزاتی آن تبدیل شده اند. جالب است که این بخش از سنت چپ در گردهمایی های تهیجی بی محتوا برای اعضای خود و در میان هیاهویی تعدادی انگشت شمار افراد سازمانیشان، دوباره از نو، تقریبا شبیه پروسه انتخاباتهای سیستم بورژوازی، "مشروعیت" برای راه بی حاصل خود کسب می کنند و تانشست بی حاصل بعدی به همدیگر درود می بفرستند!

مگر ما اپوزیسیون یک رژیم هار و تا دندان مسلح و با پرونده دهها و صدها هزار اعدام و کشتار نیستیم؟ پس کجا است آن سیاست و پراکتیک انقلابی که تناسبی با مبارزه واقعی ما با چنین رژیمی داشته باشد؟ تلویزیون؟ با اتکا صرف به شخصیتهای بی نقش و بی خبر از اوضاع که هنوز از سابقه مبارزاتی سی-چهل سال پیش خود در محله ای از شهر یاروستا یشان دارند نان می خورند، میشود کاری کرد؟ حتی آیا با تولید هر روزه و انبوه کار "تئوریک" و روشنفکر مآبانه نیز میتوان کاری انجام داد؟ آیا با شعارهای رادیکال صرف تحول مثبتی صورت گرفته یا میتواند صورت بگیرد؟ آیا امید بستن به جدال درونی رژیم و کشمکشهای درونی آنها و از مجرائی انتخابات مضحک میتوان "روزنه" و یا "سکونی برای خیزش انقلابی" جسجو کرد؟ با این سیاستها آیا به مسیر سرنگونی و رشد جنبش و اتحاد جنبش طبقاتی و سوسیالیستی ما کمکی شده است؟ با "انقلاب انسانی"، با حمایت از ملی گرایان و ناسیونالیستهای مخرب به جانی رسیده ایم؟ ووو؟ پاسخ همه این سوالات ودها سوال مشابه بدون تردید منفی است!

اگر جریان و کسانی که همواره به خود مدال افتخار "رهبری

کمونیستی" می دهند، اگر بر حقانیت مسیری که حزب و خودش طی کرده، هنوز پای می فشارد، چرا بعداز سه- چهار دهه راه بجائی نبرده است؟ چرا هنوز تعداد اعضایشان از یک کلوب ورزشی نیز کمتر است؟ آیا همه اش ناشی از وجود سرکوبگری و فضای پلیسی رژیم است؟ سوال این است که اگر واقعا نبود فضای باز در ایران مانع اصلی و تنها فاکتور محوری دال بر عدم رشد و فعالیت جدی ما اپوزسیون چپ است، پس ماحصل این همه "انقلاب" و "خیزش توده ای" و "سرنگونی در پیچ بعدی" و "چشم انداز شیرین سرنگونی" و "عروج جنبش سرنگونی"، و انقلاب انسانی" کردنها و هزاران قطعنامه ی که هزار بار قول سرنگونی را داده است، به جیب چه جنبش و نیروی رفته است اگر شما مرتب کوچکتر میشوید و مرتب منتقدین و ناراضیان به وضع موجود خود را به درهای خروجی محفل و گروهتان هدایت می کنید؟ آیا فاصله زمانی چهل ساله برای پایان دادن به عمر یک رژیم قرون وسطی که همه اذعان می کنیم وصله ناجوری بر پیکره جامعه است کافی نیست؟

خلاصه کنم که از نظر من پذیرفتن هر دو واقعیت به عنوان عامل منفی سر راه پیشروی انقلابی توده های کارگر و زحمتکش و جنبش کمونیستی و کارگری واقعی اند. هم ابزار سرکوب و هم ناتوانی اپوزیسیون موجود، واقعی ترین و صادقانه ترین نگاه به موانعها و ناتوانیهای موجود میباشد. اما وجود سرکوب و فاشیسم دولت اسلامی قابل درک و یک پدیده داده شده و تمحیلی به ما است، انتظار بیش از این از چنین رژیمی مطلقا نیست. او برای از سر راه بیرون بردن و نابودی ما، و مانیز دقیقاً برای نابودی و از سر راه بیرون راندن کامل آن موجود فاشیست و ضد انسانی به حرکت در آمده ایم. یک جدال مرگ و زندگی، جدال طبقاتی بدون ترحم و سازش، در مقابل هر دوی ما به عنوان دو طبقه متخاصم قرار دارد!

از اینرو و در جهت تعمیق و گسترش چنین مبارزه طبقاتی ای است که قبول و تحمل نقش و سیاستهای چنین اپوزیسیونی آنهم به اسم کمونیست و کارگر و چپ و مارکس و لنین و حکمت، بعداز سی و هشت سال تجربه عمدتاً منفی یا ناموفق، قابل قبول نیست. با ادامه چنین سیاست و پراکتیک و افقی، نه تنها سرنگونی انقلابی این رژیم میسر نیست، حتی اگر نیرو و قدرت دیگری نیز

جمهوری اسلامی را یک روزه سرنگون کند، باز دستیابی به آزادی و برابری و سوسیالیسم از مجرای احزاب و سیاستهای موجود به جانی نخواهد رسید، همچنانکه سال ۵۷ نیز متأسفانه به جانی نرسید. جامعه ایران و در راس آن طبقه کارگر و جنبش ما قریب به چهل سال است تاریخی مملو از درد و رنج و مشقت و مبارزه را طی کرده است؟ این تاریخ مبارزاتی باید به مسیر درست هدایت، رهبری و سازمان پیدا کند تا افق روشنی داشته باشد و شانس به پیروزی رسیدنش ممکن گردد!

ملزومات اولیه سیاسی- عملی جنبش ما برای سرنگونی رژیم

ما کارگران و جریان سوسیالیستی واقع بین برای پایان دادن به این وضعیت، در کنار بررسی ابژکتیو کمونیستی اوضاع و تحولات، به منظور تغییر تناسب قوای نابرابر کنونی و تدارک سیاسی- عملی ملزومات سرنگونی رژیم اسلام و نظام حاکم سر مایه داری در ایران، اعلام می کنیم که لازم است سیاست و استراتژی و تاکتیک و سنت مبارزاتی جدید و بهتری را در راس مبارزه انقلابی خود قرار دهیم. شروع یک مبارزه رادیکال سیاسی، کارگری، و آزادیخواهانه متحد و توسل به مبارزه ملیتانت و قهر آمیز علیه کل بساط جمهوری اسلامی و طبقه حاکمه را تنها راه پیروزی خود می دانیم. جنگ نهائی سیاسی و نظامی را علیه این رژیم باید شروع کرد و جامعه را به طرف سرنگونی کلیت این نظام فاشیستی به حرکت در آورد.

باید اکیدا به این مهم توجه داشت که جمهوری اسلامی بر عکس رژیم سلطنت، نظامی نیست که به آسانی ذوب بشود. حتی در صورت سرنگونی رژیم چندین جریان مذهبی و فالانژ مسلح و تروریست و ضد جامعه از آن باقی میمانند که در سطح کل منطقه موجودیت دارند و برای اعاده قدرت جریان اسلامی و ادامه کار تروریستی در هر بخشی از کشور که زورشان برسد تلاش میکنند. اگر به این تصویر فالانژهای اپوزیسیون، اعم از اسلامی و آریایی را اضافه کنیم، اگر نیروهای سناریو سیاهی موجود و ذخیره شده اسلامی و قومی کنونی، که در انتظار تق و توقی بسر میبرند به این روند اضافه کنیم، اگر به مخاطرات واقعی سناریو سیاه در

منطقه که می تواند به ایران نیز سرایت پیدا کند، توجه داشته باشیم، تصویر به مراتب ابژکتیو تری از روند تحولات سیاسی و ضرورت تدارک ابزارهای لازم سرنگونی رژیم اسلامی را خواهیم داشت.

همچنین در دوره ای که متأسفانه علیرغم وجود پتانسیل عظیم مبارزاتی در جنبش کارگری و کمونیستی، و سی و هشت سال مبارزه بی وقفه در سایه حاکمیت اسلامی، جنبش ما هنوز فاقد حزب واقعی و کمونیستی و تشکل مستحکم و قدرتمند توده ای خود است. هنوز ملزومات و آمادگی لازم برای ایفای نقش تعیین کننده در به ثمر رساندن یک انقلاب کارگری و آزادیخواهانه و کسب قدرت سیاسی نداریم. در نتیجه با دیدن همه این واقعیتها است که میتوان با آمادگی و درایت و اتخاذ سیاست واقع بینانه تری برای تدارک یک مبارزه انقلابی گام بر داشت و بر روند سرنگونی جمهوری اسلامی و مخاطراتی که در پی دارد برخورد دقیقتری نمود. نادیده گرفتن این واقعیتها به عدم تلاش جدی برای پیروزی کارگر و زن و جوان و جنبش آزادیخواهی و برابری طلبی بر جمهوری اسلامی و بقیه نیروهای ارتجاعی دیگر منجر خواهد شد. بنظر من پیروزی ما در گرو تامین یک مجموعه اقدامات و فراهم کردن فوری ملزومات اساسی برای کسب پیروزی است. اگر متحدانه برای این مهم تلاش نماییم و در این پیرویه مبارزاتی جدی و تعجیل داشته باشیم، تحقق آنها با توجه به نیازها، خواستها و زمینهای گسترده مبارزاتی و اجتماعی در یک پیرویه مشخص زمانی بسیار ممکن است.

اهم این ملزومات عبارتند از:

- ۱- مخاطرات سناریو سیاه کنونی را با قدرت و صلابت سیاسی و اجتماعی رفع کرد.
- ۲- ضروری است که جنبشهای اجتماعی رادیکال کارگری، زنان و جوانان و رهبران آنها در قامت صاحب جامعه ظاهر شده و با ایجاد فوری تشکلهای توده ای مستقل از دولت به عنوان ابزارهای نبرد سیاسی و طبقاتی خلا بزرگ کنونی را رفع کرد.
- ۳- رهبران و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی بیش از پیش ضروری

نه قومی، نه مذهبی، زنده باد هویت انسانی!

حکومت اسلامی و دین با آزادی زن خوانایی ندارد!

ناگوارزندگی آنها در ذات خشونت طلب مردها نهفته است یا در ذات سیستم سرمایه داری و نظام حاکم، که به گفته ی خود مقامات جمهوری اسلامی در بسیاری از موارد حتی کمتر از یک سوم حداقل دستمزدی که قانوناً تعیین شده به زنان پرداخت می شود. همه این ها نشان می دهند که عامل ظلم و ستم به کارگران و با تاکید زیاد به خصوص به کارگران و زحمتکشان زن سرمایه داران هستند که با مکیدن خون زنان کارگر و زحمتکش امروز به پول های کلانی دست یافته اند. این نظام برای بکار گرفتن سوجدویانه نیروی کار ارزان نصف جمعیت جامعه به مذهب و فرهنگ مرد سالاری و فرهنگ ملی و دولتهای از نوع حکومت اسلامی نیز نیاز دارد.

این واقعیت نشان می دهد که شرایط بسیار دردناک امروز زنان کارگر و زحمتکش محصول ستم مضاعف و چند جانبه ای است که از یکسو منشا آن سرمایه داری و از سوی دیگر دین و فرهنگ مرد سالاری به عنوان محصولات فکری اتنولوژیکی سرمایه داری، به عنوان ابزار ستم و سرکوب در نظم طبقاتی حاکم نهفته است. در ضمن با در نظر گرفتن این واقعیت ها می شود نشان داد که با مبارزه برای تغییر قوانین در جمهوری اسلامی، رژیمی که دیکتاتوری اش طوری است که به هیچ قانون انسانی پایبند نیست، نمی شود باری از روی دوش زنان ستمدیده ایران برداشت. در این چهار چوب نمیشود تغییرات مثبتی به نفع زن برداشت همچنانکه قریب به چهل سال است چنین

تمام دوران حکومت اسلامی با حذف و محدود نمودن زنان مشخص میشود. ولی باید پرسید چه رابطه ای میان این سیاست حکومتی و دین اسلام وجود دارد و با خود جنبه های متضاد در بر دارد؟ واقعیت این است که حکومت اسلامی و بطور کلی هیچ بخشی از اسلام و خط مسلط دین در قوانین و سنتهای جاری در جامعه با آزادی زن و حق برابر شهروندی آنان خوانایی ندارد.

به علاوه باید تاکید نمود که در عصر کنونی نظام سرمایه داری دین بخشی از نیازمندیها و ملزومات آن طبقه را تامین و نمایندگی می کند. سرمایه است که در عین حال خود یک شرط وجودی تولید سرمایه داری را تامین میکند. در حقیقت امروزه که سرمایه داری در همه جا حاکم است بررسی فرو دستی زنان بدون تمرکز بر نظام سرمایه داری که مرد سالاری و پدر سالاری و از جمله پدیده دین را همواره تقویت و حمایت می کند غیر ممکن است.

بباید با هم نگاهی بیندازیم به وضعیت زنان کارگر و فرو دست در کشور خودمان و ببینیم که آیا ریشه ی وضعیت

۸- همچنانکه تاکید شد، به منظور به سر انجام رساندن مبارزه ۳۸ ساله طبقه کارگر، زنان و جوانان مترقی و سوسیالیست و برای دست یابی به سرنگونی انقلابی جمهوری جنایتکار اسلامی و ساختن یک جامعه آزاد و برابر و مرفه نیازمند فوری ایجاد احزاب سیاسی و سوسیالیستی انقلابی متعلق به این مبارزه و افق و استراتژی هستیم!

۹- کسب حمایت بین المللی نیروهای کمونیست، کارگری و افکار عمومی مترقی جهان به منظور مبرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی، حمایت از مبارزه ما، و تاکید بر عدم دخالت مودبانه دولتهای غربی علیه مبارزه آزادیخواهان، سوسیالیستی، کارگری یک وظیفه مبرم و یکی از ملزومات تسریع کننده در امر سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۱۰- بدین ترتیب سرنگونی جمهوری اسلامی، سرنگونی که منجر به تکرار تاریخ تلخ دوره سال ۵۷ نباشد، نوعی از سرنگونی که در آن آزادی، برابری، کارگر، زن، جوان، انسانیت و سوسیالیسم پیروز گردد مستلزم تامین آن حداقلی است که مختصراً اشاره کردم.

ما سرنگونی رژیم چچی نمی خواهیم، ما سیستم قومی و فدرالی نمی خواهیم، ما تکرار نظام ورشکسته شاهنشاهی را نمی خواهیم، ما هر شکلی از تلاش برای تبدیل ایران به سوریه و عراق کنونی را جنایت بزرگ ضد بشری می دانیم، ما هیچ شکل دیگری از قوانین و سیستم مذهبی را تحمل نمی کنیم، ما فقط برای آزادی و برابری و امنیت و رفاه همگانی و یک جامعه سوسیالیستی در ایران تلاش می کنیم. از نظر من اگر ماحصل سرنگونی جمهوری اسلامی تحقق اهداف فوق نباشد، جامعه ایران، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه و همه ما یکبار دیگر بازنده دست ارتجاع خواهیم بود.

ایجاد حزب سیاسی جدید سوسیالیستی و انقلابی را برای تحقق این امر مهم می خواهیم. داشتن یک حزب بزرگ، سیاسی، ملیتانت و اهل عمل یکی از پیشرفتهای اولیه و مهم هر تحول انقلابی به نفع کارگران و جامعه است. همه را به این تلاش و پیوستن به چنین حزبی که در حال ساختن است فرامی خوانیم!

۲۴ اردیبهشت ۹۶

۱۴ می ۲۰۱۷

S_zijji@yahoo.se

است از گذشته درس بگیرند. و بر ایجاد تحزب و صف مستقل و سوسیالیستی جنبش خودمان بیش از پیش پای فشاری کنیم. شعار "همه با هم" ترغیب صف بورژوازاها و ارتجاع علیه جنبش ما است.

۴- علیه هر شکلی از نفرت قومی و مذهبی و هر جریانی که با پرچم قومی و مذهبی از جمله از نوع فریبنده و ارتجاعی مذهبی، (اعم از شیعه یا سنی)، یا پرچم و اهداف ویرانگر "ملی"، "فدرالی"، "مشروطه" یا پادشاهی "تعریف کنند و مقابله قاطع شود.

۵- تحزب کمونیستی کارگران و فعالین جنبشهای آزادیخواهی از نظر من حلقه کلیدی در روند سرنگونی جمهوری اسلامی و دست یابی به آزادی و سوسیالیسم است. در همین راستا، تامین رهبری کمونیستی و هژمونی سوسیالیستی در صحنه مبارزه سیاسی و طبقاتی ایران شرط اول به پیروزی رساندن روند سرنگونی جمهوری اسلامی با کمترین مخاطره و همچنین تنها پرچمی است که ایران بعد از جمهوری اسلامی مصادف خواهد شد با یک جامعه ای آزاد، برابر و مرفه و مدرن. در این راستا جنبش ما به احزاب سیاسی انقلابی و "حزب رهبر و سازمانده" نیاز مبرم دارد.

۶- سازماندهی میلیس مسلح توده ای در محل کار و زیست به عنوان ارکان ارتش سرخ آزادی و بازوی مسلح کارگران برای دفاع از آزادیهای سیاسی و امنیت اجتماعی و مقابله با عوامل جمهوری اسلامی و نیروهای سناریو سیاهی از مبرمیت بسیار زیادی برخوردار است.

۷- واقعیت این است که جمهوری اسلامی را صرفاً با اعتراضات پراکنده و یا از کانال مبارزه "مدنی"، "حقوق بشری"، پروپاگاندا میدیانی و یا کار "آگاهگرانه" و مردم را در صف انتظار کشمکش های درونی رژیم نگاهداشتن و هر چهار سال یکبار به جدال "انتخاباتی" امیدوار نمودن را نمیتوان تضعیف کرد و به زیر کشید. این روند روند تضعیف خود ما بوده و هست. جمهوری اسلامی را فقط با زور، زور اعتراض و اعتصاب یکدست و گسترده کارگری و توده ای، همراه و همزمان با قیام مسلحانه توده ای گسترده که متکی است به هدف و نقشه روشن کمونیستی و آزادیخواهانه میتوان از سر راه برداشت.

پیش بسوی تشکیل کنفرانس موسس حزب!

تحولی صورت نگرفته است. بلکه تنها با نابودی این رژیم و به همراه آن با نابودی سیستم سرمایه داری در ایران است که قوانین واقعا عادلانه به نفع زنان می تواند تنظیم بشود.

قانون اساسی به عنوان پایه نظام حقوقی یک کشور شناخته می شود. این سند رابطه دولت و ملت را قانون مند نموده و حقوق و تکالیف هر یک از طرفین را در چهار چوب خاصی بیان میکند. طبق مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، قانون فوق الذکر مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. همگان نیز بر آن واقفند که در این قانون هیچ اثری از حقوق و آزادی و برابری در هیچ عرصه ای برای زنان کشور وجود ندارد. همانطور که مشخص است قانون اساسی از همان ابتدا به ترویج یک نوع اندیشه خاص پرداخته، به طوری که تمامی نهادها می بایست تحت شعاع یک ایدئولوژی خاص قرار گیرند، یعنی ایدئولوژی و قانون اسلامی! در نتیجه از آنجا که قانون اساسی ایران بر اساس اصول و مبانی دینی تدوین شده است جایگاه و حقوق زنان بر اساس معیارهای دینی و اصولی در نظر گرفته شده است که هیچ پیوندی با اصول انسانی و حق آزادی زن در آن نه نهفته است. پس از به شکست کشاندن انقلاب ۵۷ از جانب همین رژیم و طرفدارانش وضعیت زنان نه تنها پیشرفت نداشت بلکه در بسیاری از زمینه ها دچار پسرفت شده و فرو دستی

زنان از سوی حاکمیت جدید تثبیت گردید است.

زنان در بسیاری از عرصه های زندگی خصوصی و حیات اجتماعی با مشکلات و معضلات فراوان روبرو هستند. ستم جنسی که در عرف و شرع وجود داشت شکل قانونی به خود گرفته است. زندگی تمام زنان تحت الشعاع این قوانین قرار گرفت و همواره سرکوب شده است. در واقع انقلابی که از طرف ضد انقلاب اسلامی به شکست کشانده شد را می توان یک تحول مردسالارانه و ضد زن به حساب آورد. این نوع "انقلاب" زنان را از تعریف و تفاسیر استقلال ازادیبخشی و آزادی کنار گذاشته و می گذارد یا به حاشیه می راند. انقلاب بعدی و مبارزه آتی ما نباید هرگز این تجربه را فراموش کند و باید بدوا راه پیروزی نهی از جمله برای زن و آزادی کامل زنان را تامین و تضمین نماید! به میدان آمدن خود زنان و متشکل شدن آنها حول احزاب مترقی و سوسیالیست خود مهمترین عنصر تامین کننده این آینده است!

اکثریت عظیم جامعه زنان این نظام ظالمانه و ضد زن و قوانین جاری در جامعه را نظام و قوانین متعلق به خود نمی داند، علیه آنند. مبارزه برای آزادی زن جدا از مبارزه برای سرنگونی آن رژیم ضد زن نیست. ما زنان آزاده و سوسیالیستها و کارگران ایران میتوانیم متحد شویم این رژیم را سرنگون کنیم و یک جامعه و نظامی آزاد و سوسیالیست که تامین برابری کامل ز و مرد در سر لوحه هدف و نظامش است متحقق کنیم.

.....

نه به سیرک انتخابات ، نه به اوباش اسلامی ، نه به رای سلبی !

بازار مکاره و تنور مراسم بازار مکاره و تنور مراسم مسخره نمایش دوازدهمین فراندوم ریاست جمهوری حکومت وحوش اسلامی ، به برکت رسانه های مزدور و قلم به مزد اسلامی ، آیت اله بی سی و ویو ای و.. و دیگر جریانات خائن پرو غرب و اکثریتی توده ایستی این روزها گرم است.

همه جنایتکاران و مزدوران ریز و درشتی که سر در آخور حکومت جانپان اسلامی دارند از جمله بازیگران این نمایش و باغ وحش دروغ گویی ، عوامفریبی و توهم پراکنی هستند. ماشین حکومت جنایت و سرمایه اسلامی به همراه همه باند های جنایتکار و دزد و فاسدش، برای تجدید قوا، برای تجدید آرایش ، برای عوامفریبی، برای بقا و برای جنایت و دزدی و فساد بیشتر دست بکار شده است . حکومت اسلامی در عین حالیکه مشغول بازسازی مجدد باندها و نیروهای جانی و قاتل و سرکوبگرش در غالب انتخابات به اصطلاح ریاست جمهوری هست، اما در عین حال نگرانی و دغدغه های خودش را هم دارد .

نمایشات رکیک و زشت مناظره های تلویزیونی چند نفر اوباش حکومتی که از همه سدهای فیلتر و سرکوب و سانسور حکومتی گذشته اند. اوباشی که در طی 38 ساله گذشته از جمله بانپان و کارگزاران اصلی ماشین جنایت و سرکوب حکومت بوده اند. جانوران مخوفی که دستشان به خون هزاران هزار انسان روشنفکر و کمونیست

و آزادیخواهان و برابری طلبان آلوده است. در حالیکه در مناظرات تلویزیونی به چفتک پرانی و گاز گرفتن یکدیگر مشغولند از زدیهایشان می گویند ، از قتل و کشتار انسانهای بیگناه و آزادیخواه و برابری طلب می گویند، از زندان و جوخه های اعدام می گویند، از جنایات پیدا و پنهان پشت پرده می گویند.

این روزها بوقها و تریبونهای کثیف سرمایه جهانی هم بیکار ننشسته اند. آیت اله بی سی و دیگران و... از صبح تا شب با تمام توان و انرژی مشغول جوسازی روانی و دروغگویی هستند. شخصیت های مزدور و درجه چندی را که همگی سر در آخور سرمایه دارند ، مترسکانی تحت عنوان فعال سیاسی و حقوق دان و استاد دانشگاه و مزخرفاتی از این دست همگی در این بازار دروغ پراکنی و کثافت سرمایه و اسلام به ایفا گری نقش مشغولند. همگی کشف زوایای پیدا و پنهان امتیازات و برجستگیهای آخوندها و وحوش اسلامیند . از طرف دیگر در صف اپوزیسیون پاسیوو حاشیه نشین، بی نقش و منزوی و در میان سرخوردگان سیاسی و گاه برخی فرقه های مدعی چپ و کمونیسم کارگری ، همه آن جریاناتی که بواسطه سیاستهای راست و غیر کمونیستیشان به انزوا و بن بست فرورفته اند، همه جریاناتی که در گذشته هم بارهای بار در منازعات و تناقضات درون حکومتی که در برهه هایی غلبان و تلاطم یافته است به باندهای اوباش حکومت اسلامی آویزان شده و دخیل بسته اند . و با فرصت طلبی خواسته اند از

زنان و جوانان انقلابی در تشکیل حزب خود مشارکت کنید!

پیام ابراهیم باتمانی در رابطه با انتصاب ریاست جمهوری!

من ابراهیم باتمانی هستم و یکی از آن هزاران انسانهای کمونیست، آزادی خواه و برابری طلب هستم که از روزی که این رژیم نکبت، ادم کش، دزد و دروغگو به جامعه ایران خودش را تحمیل کرد و هنوز هم به حیاط ننگین و جنایاتش ادامه میدهد، نه به جمهوری اسلامی گفتم.

در طول این 38 سال با مبارزه و کار آهکگرانه سیاسی و مبارزه نظامی، در برابرش ایستادم و خواهم ایستاد. بارها گفتم جمهوری اسلامی وصله ناجوری است به جامعه امروزی ایران. مردم این رژیم را قبول ندارند فقط با زور و اعدام و شکنجه سر پا است و زندگی آن جامعه هفتاد میلیونی را به قهقرا برده است. در ضمن این رژیم باکی هم ندارد و ابدا مهم نیست مردم در سایه حکومتشان چه زجری میکنند. مهم آن است به حکومتشان ادامه دهند.

کارگران، زحمت کشان، محرومان، ازادخواهان، انسانهای برابری طلب و شرافتمند، زنان ستم دیده و جوانان مبارز، متحد شوید و به پاخیزد و به این وضعیت پایان دهید. این رژیم قابل اصلاح نبوده و نیست باید سرکونش کنیم و به جای این همه ویرانی یک حکومت برابر و انسانی جایگزینش کنیم.

در آخر فراخوان من این است که در این "انتخابات" شرکت نکنید این "انتخابات" نیست یک مضحکه است و از روز اول هم همین بوده .
زنده باشید !

شاهدان خاموش و تحقیر شده 38 ساله حکومت اوباش اسلامی باشیم. توهم و دخیل بستن و چشم امید داشتن به اختلافات باند های درون حکومتی بیراهه و مسیر نا کجا آبادی است که معبرو هدف و مقصد بی بی سی و.. توده ای اکثریتها و همه مدعیان دروغین چپ و کمونیسم و آزادیخواهی است. رای ما کارگران و کمونیستها سرنگونی کامل دستگاه جنایت و سرکوب حکومت اسلامی سرمایه داران بواسطه انقلاب کارگری است. خواست و رای فوری ما کارگران و کمونیستها، خواست سازمانیابی جنبش کارگری، خواست جسورانه برگزاری مجمع عمومی و شوراهای کارگری است. خواست و رای ما برپایی مجامع عمومی و شوراها در عرصه جنبش زنان و جوانان و دیگر جنبشهای اجتماعی است. خواست و رای ما برپایی کمیته های محلات است. در یک کلام، خواست فوری و رای ما تدارک برای سازمانیابی واقعی کارگری و همه جنبشهای اجتماعی برای به زیر کشیدن حکومت اسلامی و برای برپایی انقلاب

**فراخوان ادامه لیست:
مشترک فعالین سیاسی
کمونیست و کارگری
برای تشکیل حزب
کمونیستی و انقلابی
در ایران!**

- بهروز یاور
- احمد ارشدی
- اسماعیل امینی
- اوین بوکانی
- ساکه محمدی

.....

و اسلام برای ما کارگران و زحمتکشان رقم زده است. تا نیروی کار ارزان و خاموش باشد. تا در بر همین پاشنه بچرخد. تا کارگر جماعت با توهم و سر خوردگی، با خستگی و بیماری، با هراس همیشگی از ساطور داموکلوس فقر و گرسنگی و با احساس نیاز همیشگی برای نان شب و مایحتاج زندگی خود و خانواده اش مطیع و امر بردار سرمایه باشد. این شرایط و این زندگی جهانی شایسته هیچیک از ما نیست، حکومت حاکمان فاسد و بیکاره، حکومت مفتخوران جانی و قاتل، حکومت دزدان سر گردنه بگیر و همه جانیانی که چوبه های داروزندانها را به پا داشته اند، نمایشات انتخاباتی این اوباش اسلامی و جنایتکاران حرفه ای به ما کارگران و زحمتکشات بی ربط است. از قبل تضادهای باندهای حکومتی و جفتک پرانیشان علیه یکدیگرانی به سفره خالی ما کارگران نخواهد آمد، اختلافات باندهای حکومتی برای ما کارگران بیمه بیکاری، نقد شدن دستمزدهای معوق، افزایش واقعی دستمزدها نمی شود. اختلافات و منازعات درون حکومتی هرچه باشد برای ما کمونیستها و کارگران حق تشکل و اعتصاب و تجمع و شوراهای مستقل و واقعی نمی شود.

اختلافات درون حکومتی برای ما کارگران امنیت شغلی و امنیت محیط کار نمی شود. اختلافات درون حکومتی برای ما کارگران یک زندگی شاد و مرفه و ایمن نمی شود. ما کارگران برای سرمایه داران مرغ عزاداروسی هستیم. رفتن به پای صندوقهای رای حکومت اسلامی توهین به شعور و شرف و حرمت انسانی است. رفتن به پای صندوقهای رای یعنی ما حاضریم همچنان

میان تضادها و اختلافات حکومتی حکومت انسانیشان را به پا دارند! همه این جریانات منحرف و بد سابقه و بی ربط به واقعیتهای سرسخت زندگی و مبارزه کارگران و زحمتکشان در حالیکه در انزوا و ورشکستگی سیاسی کامل فرو رفته اند. بازهم در پیامها و اطلاعیه هایشان به اختلافات و منازعات درون حکومتی چشم امید بسته اند. اما واقعیت بسیار زمخت تر و انکار ناشدنی تراز اینهاست.

حکومت اسلامی با همه باندهای سیاه و سفید و سبز و رنگارنگش، با اصلاح طلب و اعتدال گرا و اصول گراییش و... همه اینها بدترینند! بد و بد تری در کار نیست! فقر و بیکاری، گرسنگی و محرومیت، حاشیه نشینی و کلیه فروشی، تن فروشی و اعتیاد، بی حقوقی مطلق زن و آپارتاید جنسی، سرکوب و سانسور، دزدی و فساد و رانت خواری، برپایی جوخه های اعدام و نسل کشی دهها هزار انسان در بیدادگاههای جانپان اسلامی، ستم ملی، زندان و شکنجه، جنگ و آوارگی، تروریسم اسلامی، کودکان کار و گرسنگی، بی آیندگی و سرخوردگی جوانان، اشاعه خرافات و کثافات اسلامی، کشتار دسته جمعی انسانهای شرافتمند و مبارزودفن آنها در گورهای جمعی، درتف آبادها و لعنت آبادها و هزار و یک جنایت بی شمار دیگر، اینها همه کارنامه سیاه و آکنده از جنایت و تباهی جمهوری اسلامی است.

این بیلان 38 ساله حاکمان جهل و جنایت سرمایه است. این شرایط و زندگی هولناک و جهنمی است، که سرمایه

کارگران به پروسه تشکیل حزب خودتان به پیوندید!

نمایش انتخاباتی رژیم "سکونی برای خیزش انقلابی" نبوده و خواهد بود!
(باز هم در باره مواضع غیر کارگری و غیر کمونیستی حککا)

مدتی پیش وقتی نظرات راست آن حزب در قالب پیام ویدئویی رفیق حمید تقوایی در باره "انتخابات" را طی یادداشت کوتاهی به نقد کشیدیم، اعضای از رهبری و کادرهای آن جریان به جای دفاع سیاسی و منطقی بسیج شدند علیه ما و فرمودند: ما کیهان شریعتمداری شده ایم، لطف کردند ما را در ردیف روحانی و خامنه ای قرار دادند، برخی دیگر گفتند که ما زبان "پارسی" متوجه نمی شویم، خلاصه طبق روال معمول شروع به تحقیر و توهین کردن کردند و در کامنتهای فیس بوکی شان رفتارهای بسیار نازلی که حتی در شان خودشان نیز نبود بسوی ما پرتاب کردند و رفتند.

امروز ۱۶ اردیبهشت ۹۶ برابر با ششم می ۲۰۱۷ متوجه شدم که اطلاعیه این حزب بطور برجسته و در بخش "آخرین اطلاعیه ها"ی سایت روزنه، متعلق به آن جریان، منتشر شده است. یا حداقل من امروز آنرا در ساینشان دیدم. (هر چند اطلاعیه تاریخ ۱۴ فرودین ۱۳۹۶ - ۳ آوریل ۲۰۱۷ را دارد) این اطلاعیه و محتوای آن بدون هیچ تردیدی حقانیت نقد ما علیه این جریان را بیش از پیش به اثبات رسانده است.

محتوایی موضع گیری رسمی این حزب نیز دقیقا منعکس کننده دیدگاه راست تقوایی در برخورد به "انتخابات و نگاهشان به کشمکش های درونی رژیم می باشد. در این اطلاعیه مجددا همان خط

سیاسی "خرده بورژوا-پوپولیستی" و بی ربط به منافع کارگر در مقابل همگان قرار گرفته است. اساس سیاستشان همچنان بر مبنای امید بستن به جدال درونی رژیم حول "انتخابات" و کشمکش درونی صف ارتجاع استوار است. سیاستی که براستی جز توهم پراکنی در صفوف جنبش آزادیخواهی، کمک به طیفهای راست و غیر انقلابی در جامعه، آسیب رساندن به مبارزه انقلابی، و ایجاد اخلال در شکل گیری صف مستقل کارگری و کمونیستی هیچ نفعی برای جامعه در بر نداشته و نخواهد داشت!

اطلاعیه این جریان آشکارا در قبال پروسه "انتخاباتی" جمهوری اسلامی توهم پراکنی می کند و دوباره "روزنه"ی برای "مردم" در آن بستر جستجو میکند! عملا و آشکارا به جامعه می گوید که در پیچه ی "مثبتی" در این مضحکه نهفته است. همه اش منفی نیست! می گویند مجرای برای "انقلاب ۸۸" دیگر و فرصتی برای "خیزش انقلابی" می تواند باشد! نویسنده گان اطلاعیه این حزب حتی تصویری بدست می دهند که گویا "عبور چپاولگران از قیف اعتقاد و التزام عملی به ولایت مطلقه فقیه" مشکل جامعه در این نمایش است، اگر این "قیف" نمی بود سناریو متفاوت میشد.

در هر صورت کل این پروسه را دقیقا مانند "سال ۸۸" (این بار از گفتن "انقلاب ۸۸" امتناع کرده اند)، فرصتی برای "سکونی یک خیزش انقلابی" میدانند، و این بازی مسخره ضد آزادی و ضد حقیقت را

حتی "فرصتی برای متشکل شدن صفوفمان، افزایش دستمزدها، تحمیل بیمه بیکاری و بازنشستگی، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به تبعیض جنسیتی، تحمیل آزادیهای سیاسی و مدنی و فرهنگی، تحمیل پوشش اختیاری و لغو حجاب و بالاخره برای گسترش اعتراضاتمان و به چالش کشیدن کل این حکومت تبدیل کنیم" میدانند.

بدین ترتیب از نظر این حزب و خط سیاسی راست حاکم بر رهبری آنها این همه "محاسن" در ورای این نمایش مسخره قابل تحقق است! اما سوال این است در ۳۸ سال گذشته چرا هیچیک از این ادعاهای غیر واقعی پوپولیستی و مردم فریب از این طریق متحقق نگردیده است؟! وقتی می گویم دوستان! شما نیز در چهار چوب خط سیاسی کنونی امثال "حزب توده و اکثریت" سیاست گذاری می کنید و به چنین نمایش و مضحکه ی برخورد می کنید، به کمونیزم کارگری ربطی ندارید، به زیان جامعه و امر سرنگونی انقلابی عمل می کنید، چرا باید بر آشفته شوید؟! به جای ظاهر شدن در مقام پاسخگویی و تغیر سیاست های اشتباه آمیزتان، چرا دوباره راه توهین کردن اتهام زدن به منتقد و مخالفین سیاسی خود را برگزیده اید؟! لینک این اطلاعیه حککا در آخر ضمیمه شده است. در اینجا توجه خوانندگان محترم را به مضمون واقعی پیام اطلاعیه این جریان جلب میکنم: "...، شبح ۸۸ همچنان بالای سر حکومت اسلامی چرخ میزند. باندهای مختلف حکومت فراموش نکرده اند که چگونه در سال ۸۸ مردم بازی انتخاباتی را که قرار بود برای حکومت اسلامی مشروعیت دست و پا کند به ضدش تبدیل کردند. فراموش

نکرده اند که مردم بساط "انتخاباتی" شان را به سکوی یک خیزش انقلابی تبدیل کردند و این حکومت را به لبه پرتگاه سیاسی نزدیک کردند. مضحکه انتخابات اینبار اما در شرایطی کاملا جدید برگزار میشود. "... اعتراضات کارگری گسترده تر شده است...، در کنار این جوش اعتراضی و وضعیت بحرانی در داخل، حکومت اسلامی در جهان و منطقه منزوی تر شده است؛ حتی باندهای تروریستی شیعه اش در منطقه را هم نمیتواند متحد نگه دارد؛ برجامشان شکست خورده است؛ دورنمایی برای حل بحران ندارند و بی آلترناتیو تر از همیشه هستند. وضعیت جمهوری اسلامی آنچنان است که حتی "انتخابات" مایه دردسر سیاسی حکومت است. اینها از سایه خودشان هم میترسند!..." در چنین شرایطی، ما باید و میتوانیم این بازی سیاسی درون حکومتی را به فرصتی برای متشکل شدن صفوفمان، بیمه بیکاری و بازنشستگی، آزادی زندانیان سیاسی، پایان دادن به تبعیض جنسیتی، تحمیل آزادیهای سیاسی و مدنی و فرهنگی، تحمیل پوشش اختیاری و لغو حجاب و بالاخره برای گسترش اعتراضاتمان و به چالش کشیدن کل این حکومت تبدیل کنیم. ما باید این مضحکه را به فرصتی برای قدرتمند کردن جنبش سرنگونی و پایان دادن به فقر و بیحقوقی و سرکوب و اعدام و شکنجه، پایان دادن به کابوس جمهوری اسلامی تبدیل کنیم..." (پایان نقل قول) هر انسانی با اندک تجربه و

دسترس که به غیر از رهایی طبقه کارگر و مردم زحمتکش ان جامعه دنبال هیچ هدف دیگری نیستند نیازمند اند و این حزب دارد به این نیاز مبرم جواب میدهد. بخصوص تلاش ما این است که نسل جوان کارگر از زنان و مردان که از پتانسیل و رادیکالیسم بالایی برخوردارند پرچمداران، سیاست گذاران و مجریان ان در راس این حزب باشند.

تا انجایی که به من مربوط میشود تمام تلاش خودم را میکنم که صمیمانه اهداف، برنامه و نقد خود را بنویسیم و بیان کنیم، ولی این به معنای ان نیست که کسی دارد تحقیر و توهین میکند در مقابل ان ساکت باشیم. همچنانکه در این مدت هم همین کار را کرده ایم. به شما قول میدهم تعدادی هستند شما با هر زبانی بنویسی و یا حرف بزنید انها از قبل کلمات و جملات را برای تحقیر و توهین در جیب آماده دارند به طرف شما پرت میکنند، که متأسفانه با انها کاری نمیشود کرد. به هر حال امیدوارم شما و بقیه رفقای که خواهان تغیر وضع موجود هستید در نشریه و یا سایت ما، سیاست و نقدهای ما را پیگیری کنید و به شما اطمینان میدهم، که صمیمانه از پیشنهادات شما و انتقادات استقبال میکنیم. نظرات و نوشته های خودمان را حتما با شما در میان میگذاریم.

ما داریم کار خودمان را میکنیم و فعالیت سیاسی هیچ سازمان و حزب دیگری را نفی نکرده و نخواهیم کرد. در عین حال با هیچ حزب سیاسی و جدی در جامعه و حتی طبقه کارگر هم اتش بس نکرده ایم و در آینده هم نخواهیم کردو نقدهای سیاسی خود را صمیمانه، بدون ملاحظه و با نظرات روشن و بدون بازی دیپلوماسی بیان

خواهد یافت. شما و بقیه رفقا آگاه هستید در جریان و پروسه شکل گیری حزب انسانها با برنامه و اهداف متفاوت شرکت میکنند و در همین رابطه طبعا در بین آنان اختلاف و تفاوت هایی هست که این میتواند در ادبیات و و نحوه بیان انسانهایی که برای تشکیل حزب تلاش میکنند تاثیر داشته باشد که بعضا میتواند مورد توافق من نباشد. نشریه ما در حال حاضر نمایندگی نظرات منجم حزبی که قرار است تشکیل شود را بطور عموم نمیکند، هر چند ممکن است که خیلی مورد هم اشتراکات زیادی داشته باشند. ما تلاش مان این است که تا مقطع کنفرانس افقها و اهدافمان تا انجایی که ممکن است به هم نزدیک و در نهایت یکی کنیم و روشن است در کنفرانس امیدوارم که به سیاست یک دست و افقی مشترک برسیم.

ما تلاش کرده ایم در این مدت تا آنجا که به فکر مان رسیده است اهداف سیاسی خود و نقدهایی را به احزابی که با نام کمونیست فعالیت میکنند بنویسیم. ممکن است از نظر بعضیها کافی نباشد، و یا بقول بعضیها ما "کالیبر حزب درست کردن" را نداشته باشیم و حزب درست کردن کاراز ما بهتران است و تلاش میکنند در نیمه را پنچرش کنند و یا داریم مرزها را ناامن میکنیم. به هر حال قضاوت را به آینده میسپاریم. در این شکی ندارم که کار ما بدون اشکال و یا ابهام نیست و امیدوارم در ادامه کارمان اشکالات و ابهامات را به حداقل برسانیم. ما داریم برای ان تلاش میکنیم و خیلیها بیرون از ما و بخصوص در داخل به ان امید بسته اند. دلپش هم خیلی روشن است کارگران و انسانهای ازادخواه در داخل ایران همانند نان، آب و هوا به حزبی میلیتانت، رادیکال و قابل

این رژیم باید باشد، جز این، در میدان بازی رژیم و اپوزیسیون ملی اسلامی و بی مایه آن نظام، به بازی گرفته خواهیم شد! همه مبارزین راه آزادی و برابری را به همراه شدن با سیاستها و مواضع انقلابی خود در این زمینه فرا میخوانیم!

۱۶ اردیبهشت ۹۶

۵ می ۲۰۱۷

متن کامل اطلاعیه حککا

<http://rowzane.com/announcements/article=90893>

پاسخ رفیق رحمت فاتحی به رفیق شمی حکیمی!

با تشکر از یادداشت صمیمانه تان به چند نکته اشاره کنم. همچنانکه در جریان هستید و در این یادداشت هم شما به ان اشاره کرده اید، ما جمعی از کادرهای حزب حکمتیست به اضافه رفقای از جریانات دیگر و انسانهای منفرد در داخل و خارج در حال شکل دادن به حزبی کمونیستی و فراهم کردن ملزومات ان هستیم و بزودی کنفرانس ان را برگزار میکنیم. در فراخوان جمعی مان در سطح کلی اهداف و برنامه خود را اعلام کرده ایم. همچنین در سه شماره نشریه "سوسیالیسم امروز" بطور کلی تفاوت خود و نقدهایی که به احزابی که در ان فعالیت کرده ایم را نوشته ایم، این امر تا مقطع کنفرانس ادامه خواهد یافت و بزودی هم سایت ما بنام "سوسیالیزم امروز" راه اندازی میشود و در سایت هم این فعالیتهای ادامه

درک سیاسی از تحولات جاری و تاریخ حاکمیت سیاه رژیم و تاریخ بازی دادن اپوزیسیون و بخشی از جامعه در قالب این "انتخاباتها"، در طول ۳۸ سال گذشته از جانب جمهوری اسلامی، بدون تردید سیاست این حزب در باره تحولات سیاسی کنونی ایران و از جمله در برخورد به کشمکشهای درونی حاکمیت و نمایشهای انتخاباتی آنرا یک سیاست عمیقاً راست، غیر کارگری و غیر کمونیستی و به شدت غیر واقعی و مضر ارزیابی خواهد کرد!

بدین ترتیب یکبار دیگر از کارگران، زنان، جوانان و هر کسی که خود را کمونیست کارگری می داند درخواست میکنیم دنبال این سیاستهای غیر کارگری و غیر کمونیستی نروند! برعکس سیاست غلط این جریان، از مجرای انتخابات و کشمکشهای درون صفوف این رژیم مطلقاً هیچ مطالبه ای قابل دستیابی نیست! بر عکس آن موضع راست در این پروسه ها دقیقاً مطالبات جامعه دور زده می شود و رژیم با گرم کردن این بازی از اساس مطالبات واقعی جامعه و بحرانها خودش را عبور می دهد! از این مسیر یک سر سوزنی آزادی، برابری و سعادت و خوشبختی متحقق نشده و نمی شود، همچنانکه در این سی و هشت سال متحقق نشده است! هرگز از این طریق ملزومات سرنگونی و "روزنه" ی هیچ "خیزش" و "انقلاب" انقلابی ای ممکن نخواهد گردید.

تمام حرف و عمل ما حول برسمیت نه شناختن این مضحکه، مقابله قاطع با کلیت آن، پای فشاری بر عدم شرکت مردم در آن، و تلاش برای ویران کردن صندوقهایشان بر سرکلیه کاندیداتوریههای قاتل

علیه بیکاری متشکل شویم!

موازین انتشار نشریه سوسیالیسم امروز: سردبیر در انتشار، رد و ویرایش مقالات آزاد است! مقالاتی در این نشریه منتشر میشود که تنها برای این نشریه فرستاده شود.

مسئولیت مقالات با نویسندگان آن است. حداکثر حجم مطلب منتشره در نشریه دو صفحه آ 4 با فونت 12 میباشد. مقالات خود را به آدرس ایمیل زیر فرستید
rahmatfatehi@yahoo.co.uk

پیش به سوی

تشکیل حزب انقلابی سوسیالیست



برای تماس با هیئت هماهنگ کننده تدارک کنفرانس موسس حزب با آدرس ایمیل و شماره تلفنهای زیر تماس بگیرید:

Iransocialist2017@gmail.com
00447740076631
0046762349683



هماهنگی مدیریت بحران گلستان نیز به خبرنگاران گفت: با توجه به لیست مفقودینی که «توسط مراجع قضائی و فرمانداری آزادشهر جمع بندی شده، هنوز تعداد دیگری از معدنچیان در معدن محبوس شده‌اند. او تعداد افراد محبوس در معدن را اعلام نکرد.

حمله به خودروی حسن روحانی
یک روز پیش از کشف اجساد جدید در معدن، حسن روحانی برای بازدید از معدن یورت به آن محل رفت اما خودروی او در طول بازدید و زمان خروج از محل با حمله کارگران خشمگین روبرو شد. آقای روحانی در جمع کارگران سخنرانی کرد و تلاش دولت برای بهبود وضعیت معیشتی و کاری آنان سخن گفت. در ادامه یکی از کارگران معدن با لحنی خشمگین و عصبانی مشکلات متعدد معدن و رسیدگی نکردن دولتمردان محلی به این مشکلات را مطرح کرد. بازدید آقای روحانی از معدن یورت به آرامی به پایان نرسید و درحالیکه خودروی او برای خروج از محل حرکت کرده بود با تجمع کارگران و ضربه زدن به بدنه خودرو مواجه شد.

احضار به دادسرا
از سوی دیگر، در پی انفجار و فروریزی در معدن یورت، پیمانکار و مدیر معدن به دادرسی استان گلستان احضار شدند. هادی هاشمیان رئیس کل دادگستری استان گلستان اعلام کرد که مدیر و پیمانکار معدن به دادرسی احضار و بازجویی شدند. به گفته او این دو نفر تا اعلام نظر کارشناسی به قید وثیقه ۱۰ میلیارد تومانی آزاد هستند. معدنچیان در پی این حادثه اعلام کردند که معدن دستگاه سنج گاز متان و امکانات ایمنی کافی نداشته

یورت در شهر آزادشهر استان گلستان، تعداد قربانیان انفجار این معدن به ۴۲ نفر رسید. به گزارش خبرگزاری تسنیم، بامداد سه شنبه ۱۹ اردیبهشت اجساد این هفت نفر از معدن خارج شد. روز دوشنبه نیز اجساد ۱۳ معدنچی دیگر از معدن فروریخته یورت در استان گلستان، خارج شده بود. به گزارش خبرگزاری‌های داخلی ایران، صادق علی مقدم، مدیر کل مدیریت بحران استان گلستان روز دوشنبه ۱۸ اردیبهشت اعلام کرد که در پی باز شدن راه دسترسی به تونل اول به کمک حفر تونل دوم، پیکر ۱۳ معدنچی حس شده پشت آوار پیدا شد. بیشتر اجساد ۲۲ معدنچی دیگر که برای نجات همکاران خود از زیر آوار به داخل تونل حادثه دیده بازگشته و کشته شده بودند، از داخل تونل خارج شده بود. معدن زغال سنگ زمستان یورت در آزادشهر استان گلستان، ۱۳ اردیبهشت ماه در پی یک انفجار فروریخت و تعدادی از معدنچیان را گرفتار کرد. وزیر صنعت و معدن ایران دلیل حادثه را باتری به باتری کردن لکوموتیو حمل زغال سنگ و انفجار در معدن در پی جرقه آن، عنوان کرده بود. او البته انباشته شدن گاز متان را رد کرده و دلیل انفجار را وجود ذرات زغال سنگ عنوان کرده بود. وزیر کار و امور اجتماعی نیز تعداد افراد کشته شده را حدود ۳۵ نفر اعلام کرده بود. با این حال، مدیر کل مدیریت بحران استان گلستان با وجود بیرون آوردن مجموعاً ۳۵ معدنچی از معدن حادثه دیده، اعلام کرده که جستجو برای پیدا کردن افراد دیگری که ممکن است هنوز در معدن باشند، ادامه دارد. رضا مروتی، جانشین شورای

خواهیم کرد. بار دیگر برای شما و بقیه رفقای که صمیمانه تلاش میکنند تا فضای سیاسی و سالمی را برای دیلوگ فراهم کنند و متحد کردن انسانهای کمونیست و آزادیخواه را امر خود میدانند، ارزوی موافقت را دارم.

بر گرفته از سایت ایحادیه آزاد کارگران ایران تعداد قربانیان انفجار معدن یورت به 43 نفر رسید

پیکر آخرین معدنچی پیدا شد
با پیدا شدن آخرین پیکر از معدنچیان معدن آزادشهر استان گلستان عملیات امدادی به پایان رسید/فارس اسامی 10 نفر دیگر از جانب‌اختگان حادثه معدن آزادشهر اعلام شد

مدیرکل پزشکی قانونی استان گلستان اسامی 10 نفر از جانب‌اختگان حادثه معدن زغال سنگ را اعلام کرد. به گزارش ایلنا، حسین زارعی، مدیرکل پزشکی قانونی استان گلستان اسامی 10 نفر از جانب‌اختگان حادثه معدن زغالسنگ آزادشهر که احراز هویت شده‌اند را اعلام کرد.

اسامی به شرح زیر است:

- 1- ابراهیم گنجی
- 2- مجید نیکی
- 3- حسین محبوبی نرگس چال
- 4- مجید علیخانی
- 5- مهدی سوسرابی
- 6- قاسمعلی صادقیان
- 7- ابوالقاسم برآبادی
- 8- هادی سوسرابی
- 9- مجید طالبی سوسرابی
- 10- عباس دامن زن

گفتنی است پیش از این 19 نفر از جانب‌اختگان حادثه انفجار معدن زغال سنگ زمستان یورت شهرستان آزادشهر شناسایی و تعیین هویت، تحویل بستگان شده بودند. با خارج کردن اجساد هفت معدنچی دیگر از معدن

زنده باد انقلاب کارگری!